

[هو]

[بسم الله الرحمن الرحيم]

الحکم الله

ابوالمظفر شاه اسمعیل بهادر سیوزومیز

امرا و حکام و داروغکان و [عمال و متصدیان اشتغال و امیرنومان
نخچوان و کوچه] و اران و ارسبار ملک و مقد [مین الکاء اروط بدانند
که درینو] فت محر اسیاب سیامون بدرکاه فلک اشتباه آمده بعد از
مراسم خاکپای بوسی عتبه علیه معروض داشت که تقدم [کشیشان
ولایت کوچه و رهبانان] از قدیم الایام بدو متعلق است بناء علیه باید
که بدستور سابق و قانون معهود اورا مقدم و ورطابیت کشیشان و
رهبانان ولایت مذکور دانسته شرایط اطاعت و خدمت بتقدیم رسانند
و رسومی که از زمان قدیم بوانک طاطیف میداده اند برسانند و وانک
طاطیف و غادی که مقام و مسکن او بوده و اراضه که متعلق به وقوفات
وانک بوده [و مزروع میگردانیده اند] بهماندستور مقرر دانسته
مزاحمت نرسانند و بعلت اخراجات و عوارضات و شلناقات و مطالبات
مسدوده از علفه و علوفه و قنلغا و [الاغ و الام] و بیکار و شیکار و دست
[انداز] و ساوری و پیشکش و سلامی و اخراجات قلعه و عیدی و
نوروزی و جو و کوسفند و سایر تکالیف دیوانی ممنوعه مزاحم مشارالیه
و متعلقان و مزروعیات و ارتفاعات و جهات ایشان نشوند] و بدستوری

که از زمان سابق الی الغایة با ایشان عمل کرده‌اند بهمانند ستور عمل نمایند و رسم محدث بر ایشان جایز ندارند دارو عکان و عمال آنجا در مهمات متعلقه [ایشان مدخل نسازند] و رسوم ایشان را نکیرند و [رعایه] واجب دانند و از مقتضی فرمان همایون در نکذرنند و هر ساله نشان مجدد نطلبند و اعتماد بتوقيع رفیع همایون نمایند. ختم بالخیر

[مهر شاه اسمعیل]

تحریراً فی ۱۲ شعبان المعظم [سنه ۹۰۸]